

ویژگی‌های آثار استاد شهید مرتضی مطهری

منصور پهلوان

دانشیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران

چکیده

آثار استاد مطهری در میان آثار سایر نویسندگان معاصر دارای ویژگیهایی است که توجه به آنها، ارزش آثار استاد را نمایان‌تر می‌سازد. عمده‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از: آسان‌نویسی مطالب دشوار، حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالات، بررسی مسائل ضروری، مفیدبودن و سودمندی، پاسخ به انتقادات، بی‌طرفی در تحقیق و عدم تعصب، معرفی بدعت‌ها و تحریف‌ها و لحن مشفقانه.

کلید واژه‌ها آثار مطهری، علم سودمند، مسائل ضروری، بی‌طرفی در تحقیق.

مدخل

بی‌شک آثار و تألیفات ارزنده استاد مطهری نقش بسزایی در آگاهی و بیداری نسل حاضر داشته است. استاد با بهره‌گیری از علوم مختلف اسلامی و آشنایی با مکاتب گوناگون فکری و برخورداری از غیرت و حمیت دینی در دهه‌های سی تا پنجاه به مرزبانی عقیدتی و حراست از مبانی اندیشه اسلامی پرداخت و با تألیف ده‌ها جلد کتاب مفید و ضروری راهگشای جویندگان و پویندگان حقیقت شد. آثار این استاد فرزانه که همچنان پاسخگوی نیازهای ضروری جامعه ما است، اعجاب و تحسین اهل دانش و فضل را برانگیخت. آشنایان با این آثار به گوهرهای گرانبها در مطاوی کتب و مقالات

ایشان وقوف دارند. در این مقاله در مقام بیان بعضی از ویژگی‌های آثار استاد به هشت ویژگی عمده و بارز بسنده می‌کنیم.

۱- آسان نویسی مطالب دشوار

یکی از خصوصیات بارز آثار استاد روانی و سادگی عبارات و قابل فهم بودن آثار ایشان است. استاد با هنر آسان نویسی، دشوارترین مطالب حکمی و فلسفی را با تقریری روشن، روان، گویا و به نحوی سهل و شیوا پیش روی خواننده قرار می‌دهد. خود ایشان در اهمیت این امر می‌نویسد:

«کتاب و نوشته باید هم زحمت فکر کردن را از دوش خواننده بردارد و هم او را وادار به تفکر کند و قوه فکری او را برانگیزد؛ آن فکری که باید از دوش خواننده برداشته شود فکر در معنی جمله‌ها و عبارات است. از این نظر تا حدی که وقت و فرصت اجازه می‌داد کوشش شده که عبارات، روان و مفهوم باشد و اما فکری که باید به عهده خواننده گذاشته شود فکر در نتیجه است. هر چیزی تا خود خواننده درباره آن فکر نکند و از فکر خود چیزی بر آن نیفزاید، با روحش آمیخته نمی‌گردد و در دلش نفوذ نمی‌کند و در عملش اثر نمی‌بخشد. البته آن فکری که خواننده از خودش می‌تواند بر مطلب بیفزاید همانا نتیجه‌ای است که به طور طبیعی از مقدمات می‌توان گرفت (مطهری، داستان راستان، ۱۲/۱).

همه تألیفات استاد از این خصیصه برخوردارند. مطالب ژرف و علمی با عباراتی ساده و روان به خوانندگان عرضه شده است. بیان ساده مطالب عمیق و در حد و فهم مخاطبان متعارف سخن گفتن، از اوصاف انبیاء شمرده شده است و در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «انا معاشر الانبیاء نكلم الناس علی قدر عقولهم» (مجلسی، بحار الانوار، ۱/۱۰۶) «ما گروه انبیاء مطابق عقل و فهم مردم با ایشان سخن می‌گوییم».

۲- حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالات

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار استاد جهت‌گیری آنها در حل مشکلات و گره‌گشایی در زمینه مسائل اسلامی است. این ویژگی در تمامی آثار ایشان به چشم می‌خورد. پاسخ‌گویی به معضلات و مسائل مربوط به اندیشه اسلامی عمده‌ترین دغدغه استاد در طرح

مباحث است و خود درباره آن می‌نویسد:

«این بنده از حدود بیست سال پیش که قلم به دست گرفته، مقاله یا کتاب نوشته‌ام تنها چیزی که در همه نوشته‌هایم آن را هدف قرار داده‌ام حل مشکلات و پاسخگویی به سؤالاتی است که در زمینه مسائل اسلامی در عصر ما مطرح است. نوشته‌های این بنده برخی فلسفی، برخی اجتماعی، برخی اخلاقی، برخی فقهی و برخی تاریخی است. با این که موضوعات این نوشته‌ها کاملاً با یکدیگر مغایر است، هدف کلی از همه اینها یک چیز بوده و بس. دین مقدس اسلام یک دین ناشناخته است، حقایق این دین تدریجاً در نظر مردم واژگونه شده و علت اساسی گریز گروهی از مردم، تعلیمات غلطی است که به این نام داده می‌شود. این دین مقدس در حال حاضر بیش از هر چیز دیگر از ناحیه برخی از کسانی که مدعی حمایت از آن هستند ضربه و صدمه می‌بیند. هجوم استعمار غربی با عوامل مرئی و نامرئی‌اش از یک طرف و قصور یا تقصیر بسیاری از مدعیان حمایت از اسلام در این عصر از طرف دیگر سبب شده که اندیشه‌های اسلامی در زمینه‌های مختلف از اصول گرفته تا فروع مورد هجوم و حمله قرار گیرد. بدین سبب این بنده وظیفه خود دیده است که در حدود توانایی در این میدان انجام وظیفه نماید (مطهری، عدل الهی، ۸ و ۹).

نمونه بارز کتاب‌های استاد که به عنوان پاسخ به سؤالات مذهبی عصر ما نوشته شده، کتاب عدل الهی است. این کتاب برای پاسخ‌گویی به سؤالات زیر نوشته شده است: چرا تبعیض وجود دارد؟ آفات و بلاها برای چیست؟ ایراد بر اصل هدفداری در خلقت و مسأله خیر و شر یا دوگانگی هستی را چگونه می‌توان پاسخ گفت؟ و پرسشهایی دیگر. استاد به دلیل اهمیت این مطلب، در آغاز غالب آثارش به این نکته اشاره کرده است. به عنوان مثال، در مقدمه عدل الهی می‌خوانیم:

«آنچه درباره مباحث این کتاب میتوانم بگویم این است که همه مباحثی که انتخاب شده است فراوان از طرف گروه‌های مختلف بخصوص طبقه جوان با من در میان گذاشته می‌شود. آن چه در این کتاب آورده‌ام در حقیقت یک پاسخ عمومی است به همه کسانی که مکرراً در این زمینه از من پرسشهایی کرده و

می‌کنند. فراوانی پرسش‌ها در حدی است که لازم آمد پاسخ عمومی تهیه شود»
(مطهری، عدل الهی، ۱۱).

مسئولیت پاسخگویی به سؤالات و اجابت پرسشگران از وظایف خطیر دانشمندان است و در حدیثی از علی علیه السلام می‌خوانیم: «ما اخذ الله علی اهل الجهل ان يتعلموا حتی اخذ علی اهل العلم ان يعلموا» (رضی، نهج البلاغه، حکمت ۴۷۸) «خداوند پیش از آنکه از نادانان مواخذه کند که چرا دانش فرا نگرفته‌اند از دانشمندان مواخذه می‌کند که چرا دانش را تعلیم نداده‌اند».

۳- بررسی مسائل ضروری

توجه کردن به مشکلات و پاسخ‌گویی به سؤالات لزوماً به معنای پرداختن به مسایل ضروری نیست. اما، استاد علاوه بر عطف توجه به مشکلات، دغدغه طرح مسایل ضروری را نیز داشت. ایشان در تمام آثار خود به بررسی مسایل عصر خویش پرداخته و جز به ضرورت کتاب یا مقاله ننوشته است. پرداختن به امور ضروری منوط به ارزیابی مسایل، قبل از طرح آنها است. استاد در نقد کارنامه انتشارات مذهبی روزگار خود به فقدان محاسبه و ارزیابی نویسندگان و عدم پرداختن آنها به مسایل ضروری اشاره می‌کند:

«همچنان که در برخی از نوشته‌های خود یادآور شده‌ام انتشارات مذهبی ما از نظر نظم وضع نامطلوبی دارد. بگذریم از آثار و نوشته‌هایی که اساساً مضر و مایه بی‌آبرویی است. آثار و نوشته‌های مفید و سودمند ما نیز مطابق برآورد قبلی نیست یعنی براساس محاسبه احتیاجات و درجه بندی ضرورت‌ها صورت نگرفته است، هرکس به سلیقه خود آن چه را مفید می‌داند می‌نویسد و منتشر می‌کند. بسی مسائل ضروری و لازم که یک کتاب هم درباره آن نوشته نشده و بسی موضوعات که بیش از حد لازم کتابهایی درباره آنها نوشته شده است و پشت سر هم نوشته می‌شود. از این نظر مانند کشوری هستیم که اقتصادش پایه اجتماعی ندارد و هرکس به سلیقه خود هر آن چه می‌خواهد تولید می‌کند و یا از خارج وارد می‌نماید بدون آن که یک نیروی حسابگر، آن را رهبری کند و میزان

تولید کالا یا وارد کردن کالا را بر طبق احتیاجات ضروری کشور تحت کنترل درآورد به عبارت دیگر همه چیز به دست تصادف سپرده شده است. بدیهی است که در چنین وضعی برخی کالاها بیش از حد تقاضا، عرضه می‌شود و بی‌مصرف می‌ماند و برخی کالاها به هیچ وجه در بازار یافت نمی‌شود» (مطهری، عدل الهی، ۹).

استاد، در این خصوص صرفاً به بیان درد و یادآوری معضل بسنده نمی‌کند، بلکه با تحلیل از علل و عوامل بروز این وضعیت در عرصه تحقیقات به ارائه راه حل نیز می‌پردازد. عمده‌ترین راه حل ایشان دعوت به کارگروهی است زیرا سلیقه‌ای عمل کردن مهمترین عامل وضعیت ناگوار یاد شده است.

«این که راه علاج چیست؟ ساده است، هسته اولیه این کار اصلاحی را همکاری و همفکری گروهی از اهل تألیف و تصنیف و مطالعه می‌تواند به وجود آورد ولی متأسفانه غالباً ما آن چنان شیفته و عاشق سلیقه خود هستیم که هر کدام فکر می‌کنیم تنها راه صحیح همان است که خود ما یافته‌ایم. من گاهی به برخی از اهل تألیف این پیشنهاد را عرضه کرده‌ام اما به جای استقبال، رنجیده و این را نوعی تخطئه سلیقه خود تلقی کرده‌اند. این بسنده هرگز مدعی نیست موضوعاتی که خودش انتخاب کرده و درباره آنها قلمفرسایی نموده است، لازمترین موضوعات بوده، تنها چیزی که ادعا دارد این است که به حسب تشخیص خودش از این اصل تجاوز نکرده که تا حدی که برایش مقدور است در مسائل اسلامی، عقده‌گشایی کند و حتی الامکان حقایق اسلامی را آن چنان که هست ارائه دهد. فرضاً نمی‌تواند جلوی انحرافات علمی را بگیرد باری، حتی الامکان با انحرافات فکری مبارزه نماید و خصوصاً مسائلی را که دست‌آویز مخالفان اسلام است روشن کند و در این جهت، الاهم فالاهم را لااقل به تشخیص خود رعایت کرده است.» (همان/ ۱۰).

این سخن استاد مبنای مستحکمی در تعالیم دینی دارد. در اسلام فراگیری علوم ضروری واجب شمرده شده و از فراگیری علوم غیر ضروری منع گردیده است. چنان که در حدیث است: «وقتی مردم فردی را «علامه» می‌خواندند، پیامبر فرمود او کیست؟

گفتند داناترین مردم به انساب عرب و وقایع ایشان و ایام جاهلیت و اشعار آنهاست پیامبر (ص) فرمود: «ذاک علم لا یضر من جهله و لا ینفع من علمه» (قمی، سفینه البحار، ۲/۲۱۹) «آن علمی است که به نادان آن ضرری و به دانای آن فایده‌ای نمی‌رساند».

و از امام موسی بن جعفر (ع) روایت است که فرمود: «فلا تشغلن بعلم ما لا یضرک جهله و لا تغفلن عن علم ما یزید فی جهلک ترکیه» (همان ۲/۲۱۹) «هرگز به علمی که جهلش ضرری به تو نمی‌رساند اشتغال موز و از علمی که ترک آن، جهل تو را افزون می‌کند غافل مباش».

در زیر به معرفی چند اثر معروف استاد که ضروری‌ترین مسائل مذهبی عصر خود را مورد بررسی قرار داده است می‌پردازیم:

الف، حواشی اصول فلسفه و روش رئالیسم. پس از نابودی استبداد رضاخانی که در سال ۱۳۲۰ واقع گردید و جنگ جهانی دوم که در سال ۱۳۲۴ به پایان رسید فصل جدیدی در تاریخ ایران آغاز گردید. آزادی احزاب و گروهها و انتشار روزنامه‌ها و کتابهای گوناگون و شیوع افکار و اندیشه‌های شرقی و غربی و بخصوص فعالیت حزب توده، خطری جدی برای مردم ناآگاه که از تحقیق و بررسی به دور بودند فراهم ساخت. در چنین شرایطی و با عنایت به چنین نیازی استاد با شرح و تبیین اصول فلسفه و روش رئالیسم به نقد عالمانه مکاتب مادی و مبانی فکری ماتریالیسم و حزب توده پرداختند. ایشان آن احوال را چنین توصیف کرده‌اند:

«نشریات روز افزون فلسفی اخیر و توجه جوانان روشنفکر ما به آثار فلسفی دانشمندان اروپا که هر روز به صورت ترجمه یا مقاله و رساله در عالم مطبوعات ظاهر می‌شود و این خود نماینده روح کنجکاو و حقیقتجوی این مردم است که از هزارها سال پیش سابقه دارد و از طرف دیگر انتشارات مجهز به تبلیغات سیاسی و حزبی فلسفه مادی جدید که آن را ماتریالیسم دیالکتیک می‌نامند... (مطهری، اصول فلسفه و روش رئالیسم، ۱/۱۳).

ب، **خدمات متقابل اسلام و ایران.** یکی دیگر از مسائل ضروری و مورد علاقه ما ایرانیان مسلمان مباحث مربوط به نسبت بین ملیت و آیین اسلام است. ایرانیان وطن دوست می‌خواهند بدانند که آیا وطن دوستی با اسلام مغایر است یا خیر؟ و روابط

متقابل اسلام و ایران چیست؟ کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران در پاسخ به چنین نیازی به طرح مباحثی مانند: اسلام و مسأله ملیت، خدمات اسلام به ایران و خدمات ایران به اسلام می‌پردازد. استاد در مقدمه کتاب بعد از یادآوری اینکه مطالب این کتاب ابتدا در انجمن اسلامی مهندسين و حسينه ارشاد ايراد شده است، می‌نگارد:

«این بنده در تمام سخنرانیهایی که در مدت اقامتم در تهران ایراد کرده‌ام هیچ سخنرانی‌ای را ندیدم که مانند این سخنرانی‌ها مورد توجه و استقبال قرارگیرد و خصوصاً شش سخنرانی که در حسینیه ارشاد ایراد شده از مرکز و شهرستانها فراوان مراجعه می‌شد و نوارها کپی می‌گشت خصوصاً از طرف طبقه دانشجوی بیش از سایر طبقات مورد استقبال واقع گشت این عنایت و استقبال معلول امتیاز خاصی در آن سخنرانیها نبود. صرفاً معلول علاقه‌ای است که ایرانیان طبعا به مسائل مشترک اسلام و ایران دارند» (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ۶).

استاد مطهری به دلیل توجه به ضرورت‌های تحقیق، از خلاقیت و ابتکار در طرح مباحث مشترک اسلام و ایران برخوردار است. بسیاری از مباحث ایشان واجد نوعی ابتکار است.

«متأسفانه با این که ضرورت مبرم ایجاد می‌کند که این مسائل هر چه بیشتر و واضح‌تر تجزیه و تحلیل شود و در اختیار طبقه جوانان قرار گیرد، تا آنجا که من اطلاع دارم تاکنون هیچ اقدامی در این زمینه نشده و کتاب حاضر اولین کتابی است که در موضوع خودش زمینه تحقیق در این مسائل را فراهم کرده است. مسلماً اگر بنا باشد بحث کافی در همه مسائل مشترک اسلام و ایران به عمل آید چند مجلد ضخیم خواهد شد. امید است کتاب حاضر کلید و مشوقی باشد برای افرادی که وقت و فرصت بیشتری دارند و حق مطلب را بهتر می‌توانند ادا کنند» (مطهری، خدمات متقابل اسلام و ایران، ۸).

پرداختن به مباحث ملی‌گرایی، وطن‌پرستی و بیان دیدگاه اسلامی در این موضوع یکی از اقدامهای ضروری آن عصر بود که هنوز هم خدمات متقابل اسلام و ایران جوابگوی آن نیاز است.

ج، مسئله حجاب. یکی از مسائل مهم عصر ما که بحث از آن ضروری است سخن گفتن درباره مساله حجاب و فلسفه پوشش در اسلام و پاسخ به ایرادها و اشکالهایی است که در این موضوع در اذهان متجددان وجود دارد. این مطالب را استاد در انجمن اسلامی پزشکان و سپس در کتاب مساله حجاب تقدیم علاقمندان نموده‌اند. ایشان در مقدمه کتاب نوشته‌اند:

«هدف نویسنده و همچنین هدف گروه روشنفکر و متدین انجمن اسلامی پزشکان از طرح و بحث و نشر مساله حجاب این است که احساس شد گذشته از انحرافات علمی فراوانی که در زمینه حجاب به وجود آمده، این مساله و سایر مسائل مربوط به زن وسیله‌ای شده در دست یک عده افراد ناپاک و مزدور صفت که از این پایگاه علیه دین مقدس اسلام جار و جنجال تبلیغاتی راه بیندازند. بدیهی است در شرایط موجود که نسل جوان از جنبه مذهبی به قدر کافی راهنمایی نمی‌شوند، این تبلیغات آثار شوم خود را می‌بخشد. این بنده، خدا را سپاسگزار است که احساس می‌کند فعالیت‌های فکری ناقابل او در این میدان، چه در جراید و مجلات و چه به وسیله این کتاب، اثری نیکو داشته است» (مطهری، مسأله حجاب، ۱۲-۱۱).

۴- مفید بودن و سودمندی

آثار استاد همه مفید و سودمند است و خواننده در هر سطحی که باشد از آن بهره می‌گیرد. تألیف کتابهایی همچون *داستان راستان* که نگارش آن چندان نیازمند دقت فلسفی و جامعیت علمی نیست تنها به دلیل مفید بودن، نوشته شده است و مذاکره ایشان با بعضی از دوستانشان در این زمینه به توجه فوق العاده استاد به این مطلب دلالت دارد. در مقدمه کتاب *داستان راستان* آمده است:

«در مدتی که مشغول نگارش یا چاپ این داستانها بودم بعضی از دوستان ضمن تحسین و اعتراف به سودمندی این کتاب از این که من کارهای به عقیده آنها مهمتر و لازمتر خود را موقتاً کنار گذاشته و به این کار پرداخته‌ام اظهار تأسف می‌کردند و ملامتم می‌نمودند که چرا چندین تألیف علمی مهم را در

رشته‌های مختلف به یک سو گذاشته و به چنین کار ساده‌ای پرداخته‌ام حتی بعضی پیشنهاد کردند حالا که زحمت این کار را کشیده‌ای پس لااقل به نام خودت منتشر نکن. من گفتم چرا؟ مگر عیبی دارد؟ گفتند اثری که به نام تو منتشر می‌شود لااقل باید در ردیف همان اصول فلسفه باشد. این کار برای تو کوچک است. گفتم مقیاس کوچکی و بزرگی چیست؟ معلوم شد مقیاس بزرگی و کوچکی کار در نظر آقایان مشکلی و سادگی آن است و کاری به اهمیت و بزرگی و کوچکی نتیجه کار ندارند. هر کاری که مشکل است بزرگ است و هر کاری که ساده است کوچک. اگر این منطق و این طرز تفکر مربوط به یک یا چند نفر می‌بود من در اینجا از آن نام نمی‌بردم.

این نکته را استاد از عوامل پرداختن به مسایل ضروری در پژوهشهای معاصر می‌داند. دغدغه‌های کاذبی چون «شان» به جای دغدغه مفید بودن اثر، بسیاری از نویسندگان را از پرداختن به مسایل ضروری دور ساخته است.

«متأسفانه این طرز تفکر که جز یک بیماری اجتماعی و یک انحراف بزرگ از تعلیمات عالی‌ه اسلامی چیز دیگری نیست در اجتماع ما زیاد شیوع پیدا کرده و چه زبان‌ها را که بسته و چه قلم‌ها را که شکسته و به گوشه‌ای افکنده است. به همین دلیل است که ما امروز از لحاظ کتب مفید و خصوصاً کتب دینی و مذهبی سودمند بیش از اندازه فقیریم. هر مدعی فضلی حاضر است ده سال یا بیشتر وقت صرف کند کتابی تألیف کند و با کمال افتخار نام خود را پشت آن بنویسد بدون آن که یک ذره به حال اجتماع مفید باشد اما از تألیف یک کتاب مفید فقط به جرم اینکه ساده است و کسر شأن است خودداری می‌کند. نتیجه همین است که آن چه بایسته و لازم است نوشته نمی‌شود و چیزهایی که زائد و بی مصرف است پشت سر یکدیگر تألیف و چاپ می‌گردد (مطهری، داستان داستان، ۱/۱۵، ۱۶).

در روایات پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) بر فراگیری علم نافع تأکید فراوان گردیده و از آموزش علم غیر مفید نهی شده است. پیامبر اکرم (ص) علمی را که مردم از آن منتفع شوند، از باقیات صالحات شمرده‌اند که حتی پس از درگذشت صاحب آن علم

نیز موجب ثواب برای وی خواهد بود. «اذا مات الانسان انقطع عمله الا من ثلاث: علم ينتفع به...» (مجلسی، بحار الانوار، ۲/۲۳) و در حدیثی دیگر فرموده‌اند: «تعوذ بالله من علم لا ینفع» (همان، ۳۲) از علمی که فایده‌ای نداشته باشد به خدا پناه می‌بریم. علی (ع) می‌فرماید: «بهترین سخن آن است که نافع باشد و علمی که سودمند نباشد، هیچ خیری در آن نیست، «فان خیر القول مانع و اعلم انه لا خیر فی علم لا ینفع» (رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱).

۵- پاسخ به انتقادات

استاد در پاسخگویی به معترضان و معاندان به اسلام و قرآن حساس و هوشمند بود و بعضی از آثار ارزشمند ایشان در پاسخگویی به انتقادهای مخالفان تألیف شده است. ضرورت پاسخگویی به انتقادهایی که به اسلام و قرآن وارد شده، در نظر ایشان چنان بود که حتی از انتشار پاسخهای کوبنده خود در مجلاتی مانند «زن روز» آن روزگار پروایی نداشت. در حالی که بعضی از دوستانشان این عمل را دون شأن استاد می‌دانستند. نمونه بارز این آمادگی برای پاسخ به معترضان را می‌توان در مقدمه کتاب نظام حقوق زن در اسلام به قلم خود ایشان ملاحظه کرد:

«در سال ۱۳۴۵ تب تعویض قوانین مدنی در مورد حقوق خانواده در سطح مجلات خصوصاً مجلات زنانه سخت بالا گرفت و نظر به این که، بسیاری از پیشنهادهایی که می‌شد بر ضد نصوص مسلم قرآن بود طبعاً ناراحتی‌هایی در میان مسلمانان ایران به وجود آورد. در این میان قاضی فقید ابراهیم مهدوی زنجانی (عفی الله عنه) بیش از همه گرد و خاک کرد و حرارت به خرج می‌داد. مشارالیه لایحه‌ای در چهل ماده به همین منظور تنظیم کرد و در مجله فوق الذکر چاپ نمود. مجله مزبور نیز با چاپ صفحاتی جدول دار و به اصطلاح آن روز (کوپن) از خوانندگان خود درباره چهل ماده پیشنهادی نظر خواست. مشارالیه ضمناً وعده داد طی یک سلسله مقالات در مجله فوق الذکر به طور مستدل از چهل ماده پیشنهادی خود دفاع نماید... این بنده نامه‌ای به آن مجله نوشت و آمادگی خود را برای دفاع از قوانین مدنی تا آن حد که با فقه اسلام منطبق است

اعلام کرد و درخواست نمود که مقالات این جانب و مقالات آقای مهدوی دوش به دوش یکدیگر و در برابر یکدیگر در آن مجله چاپ شود ضمناً یادآوری کرد که اگر آن مجله با پیشنهاد من موافق است عین نامه مرا به علامت موافقت چاپ کند. مجله موافقت کرد و عین نامه در شماره ۸۷ مورخ ۴۵/۸/۷ آن مجله چاپ شد و اولین مقاله در شماره ۸۸ درج گردید. من قبلاً ضمن مطالعات خود درباره حقوق زن کتابی از مهدوی فقید در این موضوعات خوانده بودم و مدت‌ها بود که با منطق او و امثال او آشنا بودم. به علاوه سالها بود که حقوق زن در اسلام مورد علاقه شدید من بود و یادداشتهای زیادی در این زمینه تهیه کرده بودم. مقالات مهدوی فقید چاپ شد و این مقالات نیز رو در روی آنها قرار گرفت. طبعاً من از موضوعی شروع کردم که مشارالیه را در مشکل سختی قرار داد. وی شش هفته بیشتر طول نکشید که با سکتة قلبی درگذشت و برای همیشه از پاسخگویی راحت شد. در آن شش هفته این سلسله مقالات جای خود را باز کرد. علاقمندان هم از من و هم از مجله تقاضا کردند که این سلسله مقالات مستقلاً ادامه یابد. با این تقاضاهم موافقت شد و تا ۳۳ مقاله ادامه یافت (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۲۸-۲۶).

عربی‌طرفی در تحقیق

یکی دیگر از ویژگی‌های آثار استاد محققانه بودن و عاری بودن از تعصب است. ایشان تفکر و شک و تردید روا داشتن در اصول و مبانی و عقاید را حق مسلم مردم عصر ما می‌دانستند و نه تنها گریز از پرسشگران و سوالاتشان نداشتند بلکه همواره با گشاده رویی و استقبال به مطالب دیگران توجه کرده و آنها را مورد بررسی قرار می‌دادند. ایشان در مقدمه یکی از کتابهای خود می‌نویسند:

«عصر ما از نظر دینی و مذهبی - خصوصاً برای طبقه جوان - عصر اضطراب و دودلی و بحران است. مقتضیات عصر و زمان یک سلسله تردیدها و سوال‌ها به وجود آورده و سوالات کهنه و فراموش شده را نیز از نو مطرح ساخته است. آیا باید از این شک و تردید و پرس و جوها - که گاهی به افراط می‌رسد - متأسف

و ناراحت بود؟ به عقیده من هیچ گونه ناراحتی ندارد. شک مقدمه یقین، پرسش مقدمه وصول و اضطراب مقدمه آرامش است. شک، معبر خوب و لازمی است هر چند منزل و توقفگاه نامناسبی است. اسلام که این همه دعوت به تفکر و ایقان می‌کند به طور ضمنی می‌فهماند که حالت اولیه بشر جهل و شک و تردید است و با تفکر و اندیشه صحیح باید به سرمنزل ایقان و اطمینان برسد. یکی از حکما می‌گوید فایده گفتار ما را همین بس که تو را به شک و تردید می‌اندازد تا در جست و جوی حقیقت و ایقان برآیی» (مطهری، عدل الهی، ۷ و ۸).

روحیه محققانه و عدم گریز از آراء و عقاید دیگران از خصایص دانشمندان والا مقامی است که در مراحل یقین سیر می‌کنند. برهان استوار و علم سرشار عالم، او را از پرخاش و جنجال و تعصب و فریاد بی‌نیاز می‌سازد. در قرآن کریم در تشویق اهل تحقیق و ستایش مطالعه اقوال و افکار گوناگون و انتخاب برترین آنها می‌خوانیم: فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه (الزمر/۱۸). مژده باد بر بندگانی که اقوال مختلف را می‌شنوند و از بهترین آنها پیروی می‌کنند.

۷- معرفی بدعت‌ها و تحریف‌ها

یکی از مسئولیت‌های سنگین دانشمند مسلمان، هوشیاری او در مبارزه با بدعت‌ها و تحریف‌هاست به گونه‌ای که اگر به این وظیفه خطیر عمل نکند به لعن و نفرین الهی گرفتار خواهد شد. در حدیثی از پیامبر اکرم (ص) آمده است: «إذا ظهرت البدعة فی امتی فلیظهر العالم علمه فان لم یفعل فعلیه لعنه الله» (مجلسی، بحار الانوار، ۲/۷۲) «هنگامی که بدعت در امت من ظاهر شود، عالم بایستی علمش را آشکار سازد و اگر چنین نکرد لعنت خدا بر اوست».

آثار استاد مشحون از معرفی بدعت‌ها و تحریف‌هاست. به سه مورد عمده در این خصوص اشاره می‌کنیم:

الف، در کتاب علل گرایش به مادیگری، بدعت‌ها و تحریف‌هایی که در اندیشه توحیدی و الهی به وجود آورده‌اند و موجب رواج مادیگری گردیده مورد بررسی قرار می‌گیرد. ایشان در مقدمه‌ای که بر چاپ هشتم آن تحت عنوان «ماتریالیسم در ایران»

نگاشت، دلسوزانه به معرفی انحرافات و التقاط‌های فکری و دینی پرداخت.
«مطالعه نوشته‌های به اصطلاح تفسیری که در یکی دو سال اخیر منتشر شده و می‌شود تردیدی باقی نمی‌گذارد که توطئه عظیمی در کار است. در اینکه چنین توطئه‌ای از طرف ضد مذهبها برای کوبیدن مذهب در کار است من تردید ندارم. آن چه فعلا برای من مورد تردید است این است که آیا نویسندگان این جزوه‌ها خود اغفال شده‌اند و نمی‌فهمند که چه می‌کنند و یا خود اینها عالما عامدا با توجه به اینکه با کتاب مقدس هفتصد میلیون مسلمان چه می‌کنند، دست به چنین تفسیرهای ماتریالیستی زده و می‌زنند» (مطهری، علل گرایش به مادگرایی، ۳۱).

همچنین به تحریف‌های معنوی در تفسیر مادی آیات قرآن کریم اشاره کرده و می‌نویسند:

«ماتریالیسم در ایران در یکی دو سال اخیر به نیرنگ تازه‌ای بس خطرناک‌تر از «تحریف شخصیت‌ها» دست یازیده است و آن تحریف آیات قرآن کریم و تفسیر مادی محتوای آیات با حفظ پوشش ظاهری الفاظ است. این نیرنگ، نیرنگ جدیدی است و از عمر آن در ایران کمتر از دو سال می‌گذرد. البته اصل این طرح و نیرنگ چیز تازه‌ای نیست...» (همان ۲۹ و ۳۰).

ب، در کتاب مسئله حجاب، به بدعتی که برخی مقدسین نهاده‌اند و حجاب چهره و دو دست را نیز برای زنان واجب شمرده‌اند اشاره کرده و آن را مورد نقد قرار داده‌اند (از ص ۱۸۴ تا ص ۲۲۰) از نظر ایشان اسلام با فعالیت اجتماعی و تحصیل و اشتغال بانوان مخالف نیست و حجاب بانوان منهای وجه و کفین است (همان، ۱۸۶):

«اسلام با همه توجهی که به خطر شکسته شدن حصار عفاف دارد از جنبه‌های دیگر غافل نمی‌شود. زنان را تا حدودی که منجر به فساد نشود از شرکت در اجتماع نهی نمی‌کند. در بعضی موارد شرکت آنها را واجب می‌کند، مانند حج که بر زن و مرد متساویا واجب است و حتی شوهر حق ممانعت ندارد» (همان، ۲۲۳).

ج، در حماسه حسینی، به تحریف‌های برخی از ذاکرین و مداحان اشاره کرده و

می‌گویند ذاکر نبایستی برای ایجاد رقت قلب و تحریک عواطف به تحریف واقعیات متوسل شود. روضه‌هایی که در آنها اظهار تذلل پیش دشمن است، از قبیل التماس کردن برای آب همچون اسقونی شربة من الماء جرعه‌ای آب به من بدهید که جگرم از تشنگی می‌سوزد همه از تحریف‌هاست (۲۵۶/۳).

۸- لحن مشفقانه

لحن مشفقانه و عبارات متین و رعایت نزاکت و ادب و توضیح در همه آثار استاد چشمگیر است. استاد این ویژگی را از آیات قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم (ص) آموخته‌اند. در قرآن کریم خطاب به موسی و هارون (ع) است که به نزد فرعون بروید و با او به نرمی سخن بگویید. و قولاً له قولاً لیناً لعله یتذکر او یخشی (طه/۴۴) در خلق و خوی پیامبر اکرم آمده است: فیما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لا نفصوا من حولک (آل عمران/۱۵۹) بواسطه رحمت الهی بر ایشان نرم شدی و اگر تند و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند.

در ده‌ها جلد کتاب از ایشان حتی یک مورد هم نمی‌توان یافت که لحن مشفقانه و پدرا نه نداشته باشد. کلام ایشان با برادران اهل سنت و اهل کتاب و حتی مادیون و ماتریالیست‌ها نیز مشفقانه است. حتی با قاتلان خود، اعضای گروه فرقان، ملایم و پدرا نه و با احترام سخن می‌گوید. گر چه انحرافات فکری و عقیدتی آنها، روان استاد را می‌آزرد. مثلاً خطاب به گروه‌های منحرف از اسلام می‌گویند:

«عزیزان من! شما در مقدمه تفسیر خود از وضع تفسیر و مفسرین گذشته مطالبی نوشته‌اید که تنها در خطابه و منبر که کسی از کسی مدرک و دلیل نمی‌خواهد باید به کار برده شود» (مطهری، علل گرایش به مادیگری، ۳۱).

سپس به نقل دقیق و امانت دارانه و نقد و بررسی منصفانه اقوال به اصطلاح تفسیری ایشان پرداخته و با علم و حلم به آنها پاسخ می‌دهند و در پایان می‌نویسند:

«این بود شمه‌ای از تذکراتی که می‌خواستم خیر خواهانه و دوستانه به عزیزی که هنوز فکر می‌کنم اغفال شده‌اند، بدهم. امیدوارم این تذکرات سودمند واقع گردد. بار دیگر از همه فضلا و دانشمندان درخواست دارم که به

دقت در آن چه گفته شد بنگرند. اگر مرا بر خطا می‌بینند واقفم فرمایند که با سپاسگزاری فراوان خواهم پذیرفت» (همان/۳۱).

اما افسوس که این لحن مشفقانه و پدران‌ه و ادب و تواضع کم نظیر و منطق پولادین استاد را گروه‌های منحرف، فهم نکردند و مغز نادره دوران و فریده زمان را هدف قرار دادند، غافل از آن که آثار و تألیفات این دانشمند فرزانه، مانند مشعلی فروزان، همواره فراوری حق جویان و حق پویان خواهد درخشید.

ولیس بمیت عند اهل النهی من كان هذا بعض آثاره

کتابشناسی

- رضی، سید شریف، نهج البلاغه، به کوشش صبحی صالح، بیروت، ۱۹۶۷ م.
قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، کتابخانه سنائی، بی تا.
مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، تهران، ۱۳۶۲.
مطهری، مرتضی، عدل الهی، تهران، ۱۳۷۶.
همو، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، ۱۳۷۶.
همو، علل گرایش به مادیگری، تهران، ۱۳۷۸.
همو، داستان راستان، تهران، ۱۳۷۶.
همو، خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، ۱۳۷۶.
همو، اصول فلسفه و روش رئالیسم، تهران، ۱۳۷۶.
همو، حماسه حسینی، تهران، ۱۳۷۶.
همو، مسئله حجاب، تهران، ۱۳۷۶.
همو، سیری در نهج البلاغه، تهران، ۱۳۷۶.